

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ نومبر ۲۰۱۹

چه کسانی "استاد پنجشیری" را کشته اند؟



جمعه- ۱۷ عقرب ۱۳۹۸ - کابل: امروز فرصتی دست داد و خود را به دست بوسی استاد "عزیز نعیمی" رساندم. با وجود سپری نمودن یک دوران طولانی مریضی و نقاهت برخاسته از آن به مانند همیشه با سیمای باز و بشاش و روحیه تسلیم ناپذیری از من استقبال نمود که واقعاً از لطف بیحد شان شرمنده ام. ضمن بحث در سایر موارد، صحبت از ترور استاد "عزیز احمد پنجشیری" یک تن از استادان پوهنتون کابل در ولایت بغلان به میان آمد. ایشان با آن که صریحاً اعلام داشتند که نباید هیچ زمانی به حرف و سوگند منادیان اسلام سیاسی به خصوص جهادی ها و طالب و داعش و سایرین باور نمود، با آنهم نظر شان به ارتباط انکار طالب از دخالت در قتل "استاد پنجشیری" این بود که می تواند راست باشد، زیرا به اساس شناخت خودشان، "استاد پنجشیری" در جریان سالهای کارشان در پوهنتون دشمنان زیا دیگری را برای خود تعبیه نموده بود، دشمنانی که شاید وی را به قتل نیز رسانده باشند. در یادداشت امروز نظرات ایشان را به اجازه خودشان در زمینه می نگارم:

۱- در گام نخست این قتل می تواند صرف روی انگیزه های شخصی صورت گرفته باشد، زیرا "استاد پنجشیری" با آن که سنی از وی گذشته بود مگر در جریان تدریس و خارج از آن بر خوردش با محصلان قسمی بود که اصولاً یک استاد نباید چنان برخوردی داشته باشد. بدان معنا که بعضاً فراموش می کرد که یک "استاد" است و نباید به محصل "دست به یخن" شود. این تقابل عمدتاً منبعث از برخورد خشک، انعطاف ناپذیر و برتری جویانه خود

"استاد" بود. او نمی توانست بپذیرد که محصل ممکن است از لحاظ شخصیت انسانی باشد تا حدی آزاد و بی توجه، و بی توجهی اش به "استاد" به قصد اهانت به وی نباشد. این برخورد ها در طول سالهای تدریسش در پوهنتون، دشمنانی زیادی برایش بار آورده بود.

۲- دومین عامل می تواند در حمایت و وفاداری افراطی اش از "احمدشاه مسعود" و ضدیت و خصومت فوق افراطی اش با "گلبدین" و مجموع حزب اسلامی وی باشد. به تمام محصلان و استادان پوهنتون کابل، به مانند روز روشن بود که "استاد پنجشیری" از "عشاق سینه چاک"، "احمدشاه مسعود" به شمار می رفت. در این "عشق" چنان افراطی حرکت می نمود که اگر قرار می بود وی راجع به مدنیت "هزار سم" هم سیمینار و یا کنفرانسی بدهد، حتماً در نهایت حداقل ده در صد زمان معین را به توصیف و ستایش از "احمدشاه مسعود" و نثار مذمت و حتا کلمات رکیک به استقامت دشمنانش اختصاص می داد.

با چنین طرز دید و نگرشی، کشته شدن "استاد پنجشیری" در حوالی و مربوطات ولایت بغلان، یعنی جایی که "گلبدین" در زمانش آنجا مسلط بود و اینک هم روابطش چه در پیوند با طالب و چه هم در پیوند با دولت دست نشانده، هنوز هم مسلح هستند، هیچ بعید نیست که به وسیله یک از هواداران و یا نزدیکان "گلبدین" سلاخی شده باشد.

۳- این نکته هم بر همگان روشن است که وی، بر مبنای علایق سکتاریستی، با سیاست های شونیستی و فاشیستی "غنی احمدزی" و باندش نیز خصومت آشتی ناپذیر داشت. با در نظر داشت چنین خصومتی، هرگاه وی به وسیله یک تن از طرفداران "غنی احمدزی" یعنی شونیست ها و تبارگرایان به قتل رسیده باشد هم بعید به نظر نمی رسد. هموطنان گرامی!

صحبت آموزنده ای که جهات مختلف قضیه را آشکار نمودند، نکته بس مهمی را در متن خود داشت که افغانستان و مردم آن در چنان حدی از تکامل فکری نرسیده اند که اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک شان را بر همان بستر ها و شیوه های سیاسی - ایدئولوژیک یعنی بحث و اقناع و انتقاد و انتقاد از خود حل نمایند، از این رو خیلی زود دست به سلاح می برند و با حذف فزیزیکی طرف مقابل، به زعم خودشان دشمن را از بین می برند و این را نمی دانند تا زمانی که آن طرز تفکر از بین نرفته، تفکر مورد نظر روز به روز دشمن تولید می نماید.

چنین طرز دیدی، با تأسف در بین قشر استادان و معلمان بیشتر از سایر اقشار اجتماعی ملاحظه شده، تجارب خونبار و غم انگیز نخستین سالهای خیزش مردم علیه خلق و پرچم و باداران شان نشان می دهد که یکی از علل معلم کشی در کنار تحریکات ارتجاع هار مذهبی، عقده مندی ناسالم شاگردان و محصلان علیه معلمان و استادان نیز بوده است.